

قضاء و چگونگی آفرینش عدالت

فصل جدید

قسمت (بیست و چهارم)

پرسشها دایر بر ادعای (اعاده و باز خواست دوران شباب و ضیاع طراوت از دست رفته بر مبنای یک عمل عمدی که سالهای زیادی عمر عزیز انسانی بویژه قشر اناث که در انتظار سپری و به هدر رود و این امر بر بنیاد یک عمل و صلاحیت مجاز و مشروع به عمل آمده باشد چی پاسخی دارد)؟

مسئولیت و چگونگی اراده و عملکرد انسان در این راستا مسئولیت حقوقی است و یا جزائی:

من میخواهم در این بخش گذاری نمایم بر یک بخش عظیم و مهم دیگری که زیاد تر به نظام حقوقی و مدنی کشور و اساسات اسلامی احکام فقه ارتباط می گیرد و در این مبحث زیادتیر بالای اراده انسان که بگونه مشروع و اختیاری بکار گرفته می شود ولی در بسا موارد مسئولیت حقوقی بار می آورد و یا هم این حقیقت و رویکرد بگونه غیر اختیاری بر روال اشتباه و یا سهو ایجاد می شود: و گاهی هم بر افکار انسان فشار مستولی میشود که چنین عملی عمدی بوده بایست مسئولیت جزائی داشته باشد:

از اینکه در ایزاء مسئولیت های حقوقی و مدنی برخلاف قضایای کیفری و جزائی صرف جبران خساره مطرح بوده و اما اگر چنین قضایا کیس جزائی پیدا و منقلب به قضایای کیفری گردد در آن صورت پروسه جزائی مطرح و قضیه در آن راستا به بررسی گرفته میشود.

میخواهم این فصل بسیار مهم را با ارائه یک قضیه تصویری که در جغرافیای میهن ما واقعیت آن به مراتب دیده شده است آغاز نمایم: ببینید:

اصدار طلاق و صلاحیت دادن آن بطور مشروع و مطلق منحصر به مرد برای زوجه یا زن بوده و (البته شرایط و قیوداتی که بعدن وضع گردیده از این امر مستثنی قرار می گیرد) و این صلاحیت مجوز شرعی دارد که صورت مشروعیت و جواز آن دارای مصادر شرعی و موانعی برای عملی ساختن باقی نمی گذارد که ظاهرن هیچگونه مسئولیت متوجه عامل اصلی و یا طلاق دهنده نمی شود و حتی چنین طلاق مقید به حضور و رضائیت زن یا زوجه نبوده و شوهر می تواند در غیاب زوجه و عدم رضائیت آن اصدار طلاق نماید

من در این پژوهش نمیخواهم اعتراض و یا انتقادی را در ارتباط بر چگونگی صلاحیت و یا انحصار صلاحیت اصدار طلاق برای مرد ها داشته و یا چرا های را در این راستا عنوان کنم، اما میخواهم فقط بالای چند نکته ی مکث نمایم که بسا هم مورد سوال قرار می گیرند و آن اینک:

اگر مردی بعد از دواج خانه و جای و خانم خود را ترک و به مکان معلوم و یا نامعلومی سفر و مدتها در آنجا مسکن گزین و سکونت اختیار نماید اما سالهای سال برای خانم خویش سرنوشتی تعیین نکند و یا آن را نزد خود نخواهد و یا طلاقش ندهد و این رویداد به اندازه استمرار یابد که که زن جوان پیر گردد و طراوت صورت و جسم خود را از دست دهد (چنین موضوعات به طور مکرر در میهن ما اتفاق افتاده است) اگر همین زوجه به مراجع عدالت حاضر و واقامه دعوی و اعاده جوانی و طراوت از دست رفته

خود را مطالبه و بر دعوی خویش اصرار و سماجت نماید این دعوی چی پاسخی دارد؟ در این ارتباط نکات مهم زیر لطفن توجه فرمایید:

چنین موضوعات قبل از توضیحات شورای عالی ستره محکمه وقت که حضور شوهر و زوجه را در اثنای اجرای صدور طلاق شرط دانست. دیده می شود.

نفاذ گد مدنی یا قانون مدنی افغانستان که فصل و باب تفریق به سبب غیاب را مسجل و امر اجرا و هدایت داد. می باشد. که هدف ما قبل از نفاذ گد مدنی افغانستان است.

چنین قضایا قبل از استفاده از تخنیک ظریفه (انترنت فیسبوک، تلفون و سایر وسایل اطلاعاتی و رسانه های جمعی محقق بوده است) بوده می تواند.

در چنین موضوعات مشروعیت تصمیم شوهر که صلاحیت طلاق را داشته و می توانست در داخل و خارج مملکت اصدار طلاق نماید در نظر است.

اصل موضوع یعنی (غیابت شوهر و عدم تعیین سرنوشت زوجه سالهای سال و ندادن طلاق بر مبنای صلاحیت شرعی (البته قبل از شرایط وضع شده بالا که تذکار یافت) زمانیکه سبب نابودی طراوت و جوانی و کشتن غرایز طبیعی زوجه می گردد یک قضیه جزائی و یا مدنی و حقوقی است و یا چطور؟

و در این قضیه اگر استدلال بر آن باشد که موافق به شرایط زمان شوهر خانم خود را وسیله نامه ی طلاق داده است که نامه روی مشکلات عدیده به زوجه نرسیده و از آن آگاه نگردیده است که چنین یک نامه ی عرفی سند قانونی و یا شرعی که دارای ثبت محفوظ دیوان قضا باشد موجود نبوده و در مسند قضاء دایر و مطرح نشده است که در این صورت ادعای اصل مطلب که اتلاف لذت زندگی و عمر عزیز چندین ساله ی یک انسان که حق طبیعی آن است ضایع که همان سالها عمر گران بها و طراوت و جوانی آن است که به هدر رفته و این امر بر اساس یک عمل عمدی جزائی که مشروع است بوقوع پیوسته و رویکرد ثابت دارد چی پاسخی می گوئیم و برای فاعل این عمل چی سند تبرئه ارائه می داریم؟

ادامه دارد:

با حرمت سخی صمیم.